



آموزش تاریخ و ادبیات

می شود. از این روست که در مورد یک خبر تاریخی واحد، منابع ادبی، دینی، شعری، داستانی و به طور خاص، حماسی به نحوی متفاوت با ما سخن می گویند.

پیوستگی ذاتی «سخن» با «خبر» و بالطبع با «رویداد»، ایجاب می کند دبیر تاریخ نیست به ابعاد ادبی حرفه خویش دقت کافی بنماید. لذا دبیر تاریخ لازم است:

- ۱- در آموزش تاریخ از بیان گویا، شیوا و رسا برخوردار باشد.
- ۲- در آموزش تاریخ از لحن (حالت) متناسب با موضوع بحث، استفاده نماید. این بدان معنی است که برای داستان گویی، شعرخوانی، تحلیل و غیره گنجینه لغات و لحن مخصوص به هر یک را به کار گیرد.
- ۳- در گفتار خویش از ایجاز مخل و اطناب ممل پرهیزد. یعنی نه آن چنان مختصر بگوید که ابهام را موجب شود و نه آن قدر رشته سخن را طولانی کند که سر رشته مطلب گم شود و حوصله دانش آموزان به سر رود.
- ۴- ارائه سخن در درس تاریخ مستلزم آمادگی روحی و قرار داشتن در شرایط مناسب است. به قول عامه «دل و دماغ» داشته باشد و از سر بی حوصلگی، خستگی، لحن کسالت آور به دور باشد.
- ۵- درس تاریخ در بردارنده حجم قابل توجهی اطلاعات تاریخی و مطالب گوناگون است. همچنان که لازم است بر اساس حافظه یا

آموزش تاریخ مستلزم بهره مندی کافی از ادبیات و دانش های ادبی است. این ضرورت به طور خاصی برای تاریخ ایران و به تبع آن در کشور ایران دوچندان است. زیرا تاریخنگاری ما ایرانیان به نحوی تمام عیار با ادبیات پیوستگی دارد. کوتاه و گویا اینکه بیشتر کتاب های تاریخی ما نوشته شده به دست وزیران و دبیران بوده است. در همان حال منابع مکتوب اعم از نظم و نثر، بیشترین میزان اطلاعات تاریخی ما را در خود دارند.

آنچه که تا این جا گفته شد، منحصر به آموزش تاریخ نیست، بلکه تاریخ نگاری، تاریخ پژوهی و نیز هرگونه ادراک و استنباط تاریخی منوط به بهره مندی کافی از ادبیات خواهد بود. آموزش تاریخ نیز به عنوان بخشی از معرفت عمومی تاریخ و نیز فرایند ویژه انتقال دانش تاریخی، به طور کامل متکی به ادبیات است. زیرا همچنان که «سخن» (شفاهی یا مکتوب) ظرف اصلی ثبت و ضبط و اشغال دانش تاریخی (رخدادها) به شمار می آید، همان (سخن) نیز وسیله اولیه و اصلی و غیر قابل انکار و کتمان آموزش (تدریس) تاریخ دانسته می شود. به علاوه این نکته که «بیان» ابزار اساسی بخش عمده تفهیم و تفاهم ماست و نیز «شیوه بیانی و سخنرانی» یکی از متداول ترین فنون و روش های آموزش محسوب می گردد، واقعیت آن است که انتقال دانش تاریخی در ماهیت و موجودیت خود نیز اساساً متکی به سخن (بیان) است. هرگونه تغییر و تفاوت کلامی در بیان یک گزارش تاریخی، موجب دگرگونی آن

یادداشت مطالب فراوانی را برای عرضه به کلاس فراهم کرد، لازم است طرحی مناسب برای شروع و خاتمه‌ی مطلب نیز در نظر گرفت؛ تا سخن پخته، سنجیده و متناسب باشد.

۶- بیان هنری و حتی هنر بیان، در درس تاریخ اهمیت بسیار دارد. بیان زیبا و دلنشین و کلام شیرین، هم به خوبی بر دل می‌نشیند و هم کلاس را جذب می‌کند و هم فهم مطلب را آسان می‌سازد. به یاد داشته باشید که در ادبیات فارسی در ابتدای تاریخ می‌گفتند: «راویان اخبار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار چنین گفته‌اند...» یا «روزی بود روزگاری بود...» یا «در زمان‌های دور...» به طور کلی چنین عباراتی موجب جلب توجه می‌شود. نیز برای درس تاریخ که گفته می‌شود خسته‌کننده و دل‌آزار است، بیان ادبی و هنری، چنین مسئله‌ای را حل خواهد کرد.

۷- معلم تاریخ لازم است به میزان قابل توجهی شعر، حکایت، مثل، نکات جالب، اخبار دور و نزدیک را در حافظه داشته باشد. به قول عامه از این گونه مطالب در چپته داشته باشد. بدون شک هدف معلم درس تاریخ، خسته و بیزار کردن دانش‌آموزان نیست پس نباید چنان سخن بگوید که منجر به روی گردانی از تاریخ بشود و با درک شرایط کلاس، سخن متناسب بگوید.

۸- علم و درس تاریخ در بردارنده اخبار انسان‌های بزرگ، وقایع مهم و سرنوشت‌ساز، تمدن‌های بزرگ، ملت‌های صاحب تمدن است، لذا معلم تاریخ باید توجه داشته باشد که تاریخ در واقع سخن گفتن از مسائل مهم است. بر این اساس او باید با اعتماد به نفس، باور به این که کار مهمی انجام می‌دهد و با روحیه‌ای قوی سخن بگوید. کسی که درسی می‌دهد که خود بدان باور ندارد در قدم اول خود را زجر می‌دهد و دوم دانش‌آموزان را از درس رویگردان می‌کند و به رشته علمی خود ضربه می‌زند.

۹- برای ما ایرانیان، درس تاریخ، سرگذشت پیشینیان پرافتخار ماست. بیان شرح حال بزرگان علمی و دینی و ملی و ادبی و هنری ماست. درس تاریخ چونان آینه‌ای است که گذشته تا آینده خود را در آن می‌بینیم. لذا باید آن را ارج بنهیم. در درس تاریخ، این ارج‌گذاری

همان جدی گرفتن آموزش آن است. این امر نیز در قدم اول با بیان توأم با علم و عشق و تعلق خاطر بدان داشتن، میسر می‌شود. معلم تاریخ در رجوع به تاریخ کشور خویش باید احساس غرور، سربلندی و عزت نفس بنماید. باید شجاعانه از تاریخ و حقایق آن سخن بگوید. در غیر این صورت یعنی بیانی ضعیف، نارسا، کسل و باری به هر جهت، پشت کردن به امر مقدسی است که همانا تاریخ گذشته ماست. نباید از این نکته غافل بود که در حالی که همه ملت‌ها تاریخ خویش را ارج می‌نهند و حتی هر معلمی درس ورشته خود را با تعصب پاس می‌دارد، بی‌اعتنایی معلم تاریخ از یک سو درس تاریخ را لوٹ می‌کند و از سوی دیگر احترام و حرمت همان معلم را در چشم دانش‌آموزان زایل می‌سازد.

۱۰- تجربه‌ی نقالان که متن‌های حماسی را با حس و حال می‌خواندند، خنیاگران که شرح وقایع را با آهنگ همراه می‌ساختند، پرده‌خوانان و شبیه‌خوانان که گنجینه‌ی فرهنگ معنوی را به خدمت می‌گرفتند و روضه‌خوانان که با شناخت دقیق از زمان و مکان و مخاطب، تأثیر کلامی شگفت‌انگیزی در او ایجاد می‌کردند، همه گویای آن است که صرف نظر از دوری و نزدیکی وقایع، نوع وقایع، یا هر نکته دیگری درباره‌ی وقایع تاریخی، می‌توان با پیامی گرم و درحالی که باور گوینده به راستی و درستی سخنش را از آن می‌توان دریافت، درس تاریخ را گیرا، و آموزش تاریخ را پایا ساخت.

۱۱- آنچه که تا این جا آمد فقط در مورد گفتار، بیان، کلام، شفاهیات و سخنرانی در درس تاریخ بود. آن‌جا که نوشتن و به طور کلی کلام مکتوب هم در میان آید بر همین روش باید رفت.

خوب است توجه داشت که آن بخش از ادبیات مکتوب که در بردارنده داستان و رمان تاریخی است به دلیل داشتن بیان روان و نیز به کارگیری قوه تخیل دارای فواید بسیاری برای معلم تاریخ است. همچنان که مطالعه دائمی و گسترده، پیگیری انتشارات در زمینه تاریخ و توسعه مناسب برای معلم تاریخ ضروری است، بهره‌گیری از رمان تاریخی، به دلیل ارایه فضای تاریخی، پرورش قوه تخیل و احساس همدلی با قهرمانان وقایع، محل تأکید بسیار است.